



حقوق جنین در نظام سلامت

حمزه محمدی

استادیار، گروه آموزشی حقوق، واحد بوئین زهرا، دانشگاه آزاد اسلامی، بوئین زهرا، ایران
Mohammadi.hae@gmail.com

حمیده عبدی

دانش آموخته کارشناسی ارشد، رشته حقوق عمومی، واحد بوئین زهرا، دانشگاه آزاد اسلامی، بوئین زهرا، ایران (نویسنده مسئول)
abdiyhamideh@gmail.com

مریم آمدی

دانش آموخته کارشناسی ارشد، رشته حقوق عمومی، واحد بوئین زهرا، دانشگاه آزاد اسلامی، بوئین زهرا، ایران
maryamamadi1991@gmail.com

چکیده

زمینه و هدف: جنین در لغت بر وزن فعلیل در معنی «مفعول» یعنی «پوشانده شده»، که از ماده «جن» گرفته شده است. جنین، حداقل به عنوان انسانی بالقوه- که قابلیت و توانایی تبدیلی به یک انسان کامل را دارد- شایسته تکریم و دارای حقوقی از جمله «حق حیات» و «حق سلامت» و... است. اهداف پژوهش آشنایی هرچه بیشتر با حقوق جنین و آموزش مادران در جلوگیری از سقط جنین می باشد.

روش تحقیق: روش تحقیق توصیفی- تحلیلی می باشد.

یافته ها: در یافته ها موجود در خصوص سقط جنین آمار به دست آمده نشان می دهد که بالاترین آمار و سقط های غیر ایمن از جوامع در حال توسعه به ویژه جوامعی با منع محدودیت های قانونی بیشتر از مشکلات عمده سلامت باروری به حساب می آید.

نتیجه گیری: در نتایج یافت شده مشاهده می شود که بالا بردن سطح آگاهی زنان قبل از بارداری و آگاهی آنان به عواقب ناگوار سقط جنین می تواند باعث بهبود و سلامت جامعه گردد.

کلید واژه ها: حق، جنین، سلامت



مقدمه

اصولاً وجود شخص طبیعی از لحاظ حقوقی با تولد او آغاز می شود و از این تاریخ است که انسان طرف حق قرار می گیرد و از حقوق مدنی و سایر حقوق برخوردار می گردد. در حقوق اسلام جنین از حقوق مدنی متمتع می گردد، به شرط اینکه زنده متولد شود ولو اینکه یک لحظه پس از تولد بمیرد؛ از جمله حقوق جنین داشتن حق بر زنده متولد شدن، حق بر نام و حق بر نام خانوادگی و... می باشد. در این تحقیق ابتدا به بررسی مفهوم جنین و در نهایت به بررسی حقوق جنین و قوانین مربوط به سقط جنین پرداخته شده است و سعی بر آن شده تا با به کارگیری راه ها و روش های قانونی در احقاق حقوق جنین تلاش های مثمر ثمری به عمل آید. در طول تاریخ زندگی بشر، سقط جنین مقوله ای در خور توجه بوده است. در ایران باستان، کتاب اوستا دارای مطالبی مشخص در خصوص سقط جنین بوده است که با توجه به حفظ فصلی از این کتاب تا تاریخ معاصر، مطالب آن دارای ارزش تاریخی بسیار زیادی است، جزئیات مختصری در این خصوص در دوران هخامنشی در دسترس است اما در دوران ساسانیان و پارتیان از میان خطوط متون مذهبی مطالبی در این مورد به دست آمده است و سقط جنین عملی مانند قتل محسوب می شده و همه افرادی که در عملی کردن آن نقش داشته اند مجازات می شدند. جالب توجه است که در این قانون تنها مادر درگیر نبوده است و تمامی افراد مرتبط با سقط جنین را نیز شامل می شده است. در سال ۱۳۷۰ مقنن ایرانی به پیروی از فقه اسلامی از میان چهار نظر پیرامون جواز و حرمت سقط جنین تنها یک مورد را قانونی شناخت، جواز سقط قبل از دمیده شدن روح با شرایط خاص و حرمت آن پس از دمیده شدن روح به صورت مطلق. و سرانجام در سال ۱۳۸۴ به دلیل نیازهای موجود و لزوم انجام سقط در برخی موارد و با عنایت به موازین اسلامی و رعایت اصول اخلاقی، قانون سقط درمانی شامل تصویب رسید. هم چنین به موجب مفاد قانون مجازات اسلامی احکام مربوط به سقط جنین در قانون تعزیرات مصوب سال ۱۳۷۵ به دلیل اشکالات عدیده ای که در سقط جنین عمومی مشهود بود مقنن با وضع مواد ۶۲۲، ۶۲۳ و ۶۲۴ تا حدی به نارسائی در این زمینه خاتمه داد و بالاخره در سال ۱۳۹۲ در قانون مجازات اسلامی علاوه بر ماده ۳۰۶ از فصل ۷ از کتاب ۴ از مواد ۷۱۲ الی ۷۱۶ که متضمن نوآوری بسیار مهمی است به سقط جنین اختصاص یافت بدون آنکه مقررات مربوط به سقط جنین کتاب پنجم و تعزیرات سال ۷۵ فسخ گردد.

۱- روش تحقیق

روش تحقیق توصیفی - تحلیلی می باشد.

۲- یافته ها

جنین از نظر اصطلاحی فرزند متولد نشده انسان است که در درون رحم مادر قرار دارد و از لحاظ زیست شناسی موجود مستقلی به شمار می آید و شخص محسوب می گردد، لیکن از نظر حقوقی تا هنگامی که زنده به دنیا نیامده است، شخص مستقلی به شمار نمی آید و اصولاً نمی تواند دارنده حق و تکلیف باشد؛ از حقوق جنین می توان به این موارد اشاره کرد که عبارتند از: حق بر سلامت جنین، حق بر وصیت جنین، حق بر زنده متولد شدن جنین، حق بر نام و حق بر نام خانوادگی جنین و حق بر ارث جنین.

۳- مفهوم جنین

جنین در لغت بر وزن فعلیل در معنی «مفعول» یعنی «پوشانده شده»، که از ماده «جن» گرفته شده است. از این رو به قلب «جنان» گفته می شود، برای اینکه میان بدن پوشیده شده و به سپر «مجن» و «مجنه» گویند، زیرا صاحب خود را می پوشاند و به هر باغی که درختان انبوهی داشته باشد، «جنت» و «جنان» گویند، زیرا درختان روی زمین را می پوشانند. این واژه در



قرآن کریم، به طفلی اطلاق می شود که در شکم مادر است و شکم مادر او را می پوشاند و از دیده پنهان می دارد. البته در آیات قرآن واژه ی «ولد» و یا جمع آن «ولاد» و احکام مربوط به آن بسیار به کار برده شده، ولی واژه ی «جنین» به صراحت استعمال نشده است. در اصطلاح فقهی، برخی از همان ابتدای حمل - یعنی از ابتدای انعقاد نطفه- عنوان جنین نهاده اند با این استدلال که در فقه اسلام برای تمامی مراحل زندگی جنین - از لحظه ی انعقاد نطفه گرفته تا لحظه ی تولد - دیه مقرر شده است. برخی دیگر معتقدند فرزند تا زمانی که در رحم مادر است، جنین نامیده می شود. عده ای دیگر بر این باورند، نام جنین بعد از آنکه در رحم صورت انسانی به خود گرفت حتی اگر روح در آن دمیده نشده باشد، اطلاق می شود. در مجموع این چنین برداشت می شود که فقها در مفهوم دقیق و روشن جنین همان معنای لغوی را اتخاذ کرده اند و در اصطلاح حقوقی نیز - که مبنای حقوق ایران نیز فقه امامیه است - به هر چیز پوشیده و مستور و به نطفه ی موجود در شکم نیز «جنین» اطلاق می گردد. (مقدادی و جواد پور، ۱۳۹۲: ۱۰۹-۱۰۸)

۴- شخصیت حقوقی جنین

اصولاً وجود شخص طبیعی از لحاظ حقوقی با تولد او آغاز می شود و از این تاریخ است که انسان طرف حق قرار می گیرد و از حقوق مدنی و سایر حقوق برخوردار می گردد. ممکن است جنین از لحاظ زیست شناسی موجود مستقلی به شمار آید و شخص محسوب گردد، لیکن از نظر حقوقی تا هنگامی که زنده به دنیا نیامده است، شخص مستقلی به شمار نمی آید و اصولاً نمی تواند دارنده حق و تکلیف باشد؛ با وجود این در صورتی که مصلحت اقتضا کند ممکن است جنین حتی قبل از تولد دارای حق گردد، مشروط بر اینکه زنده به دنیا آید. بنابراین می توان گفت که جنین نیز دارای نوعی شخصیت است و می تواند صاحب حق باشد؛ مثلاً ممکن است کسی به نفع او وصیت کند و بدین ترتیب حقی برای او ایجاد گردد. همچنین جنین طبق قانون، ارث می برد. ماده ۸۷۵ ق.م. مقرر می دارد «شرط وراثت، زنده بودن در حین فوت مورث است و اگر حملی باشد، در صورتی ارث می برد که نطفه او حین الموت منعقد بوده و زنده هم متولد شود، اگر چه فوراً پس از تولد بمیرد» و ممکن است برای حفظ و اداره سهم الارث او کسی از طرف دادگاه معین گردد که اصطلاحاً امین نامیده می شود. لیکن شخصیت جنین و حقی که برای او ایجاد می شود متزلزل است و هنگامی مستقر و پایدار می شود که زنده به دنیا آید، اگرچه فوراً بعد از تولد بمیرد؛ بنابراین اگر به فرض، قبل از تولد جنین، پدر او بمیرد، چون حمل دارای نوعی شخصیت است نمی توان وجود او را نادیده گرفت بلکه باید سهم الارث او را جدا گذاشت.

البته در صورتی ارث او قطعی خواهد شد که زنده به دنیا آید و اگر زنده متولد شود و در فاصله کمی بعد از تولد بمیرد حق وی از بین نمی رود. سهم الارث او به وراثت خواهد رسید؛ بنابراین جنین دارای نوعی شخصیت حقوقی است، (صفایی و قاسم زاده، ۱۳۸۸: ۴۵-۴۴)

۵- حقوق جنین

حقوق جنین یا فرزند در رحم به عنوان انسان بالقوه ظرافت های دقیقی دارد که به دلیل مستتر بودن و استقرار در رحم و بی توجهی اشخاص از نگاه خانواده ها پنهان مانده است. نتیجه غفلت از این حقوق و حمایت نکردن از حملی که در محیط خصوصی خانواده رشد می کند، پایمال شدن حقوق حمل و سقط های عمدی جنینی است که امروزه در بسیاری از جوامع شاهدیم. در نگاه اول چه بسا گفته شود: مگر حمل یا جنین در رحم مادر هم حقوقی دارد؟ در پاسخ به این سوال باید گفت که حمایت از حقوق انسان از زمان انعقاد نطفه آغاز می شود (نه از زمان تولد) و حمل در دین اسلام بسان انسان بالغ از حقوق مادی و معنوی مختلف، نظیر صیانت و سلامتی، حق نام گذاری و... برخوردار است. (اسدی، نوذری فردوسی و امیدوی فرد، ۱۳۹۹: ۱۱۴)



۵-۱. حق بر سلامت جنین

جنین، حداقل به عنوان انسانی بالقوه- که قابلیت و توانایی تبدیل به یک انسان کامل را دارد- شایسته تکریم و احترام و دارای حقوقی از جمله «حق حیات» و «حق سلامت» است. حمایت از حقوق جنین، منحصر به حمایت از حق حیات از طریق ممنوعیت سقط جنین و یا سایر اعمالی که منجر به سلب حیات از آن می شود، نیست. بلکه حمایت از حق سلامت جنین را نیز شامل می شود. یعنی ممنوع شمردن هرگونه رفتاری که موجب آسیب و صدمه به جسم و روان جنین شده و به عنوان یک عامل خطر نسبت به سلامت او محسوب می شود و فراهم ساختن امکانات و شرایطی که جنین در پناه آن، چه در دوران جنینی و چه در حین تولد، زندگی سالم و بری از هر گونه نقص و معلولیتی داشته باشد. از این روی اسلام به سلامت جنین، و متولد شدن انسان های سالم، اهمیت ویژه ای داده است. بنابراین، والدین جنین و جامعه را به حفظ و نگه داری از آن، مکلف کرده است و برای سلامتی و حفظ او توصیه هایی کرده، و قوانینی تشریح نموده است. اساس سلامت هر فرد نیز از دوران جنینی تامین می گردد و آن نیز در گرو سلامت مادر می باشد. پزشکان متخصص زنان و زایمان، نقش مهمی در حفظ سلامت مادر و جنین دارند و بدین جهت کار آنان در فرهنگ اسلامی از ارزش و ثواب بالایی برخوردار است. اسلام بر حفظ حیات جنین از زمانی که نطفه منعقد می شود، تاکید نموده است، و بر سقط آن مجازاتی قرار داده است. پس بر مادر واجب است تا وقتی که خوف جانی برای خود نداشته باشد، شرایط متعارف و معمول را برای حفظ جنین، فراهم کند. (زرگوش نسب، ۱۳۸۹: ۱۳۷)

۵-۲. حق بر صیانت جنین

برخی امور برای مادران جهت صیانت از جنین عبارتند از: عدم استعمال دخانیات و مواد مخدر و (سیگار و تریاک و نوشیدن مشروبات الکلی) توسط والدین به خصوص مادر در دوران بارداری. به تعبیر یکی از دانشمندان مغرب زمین «مستی زن با شوهر در لحظه آمیزش، جنایت واقعی است» زیرا کودکانی که در این شرایط به وجود می آیند، اغلب از عوارض عصبی یا روانی درمان ناپذیر رنج می برند. قرآن کریم درباره شراب و قمار میگوید: «یا ایها الذین آمنوا إیا الخمر والمیسر والآنصاب والأزلام رجس من عمل الشیطان فاجتنبوه لعلکم التفلحون» در یک رساله طبی که در سال ۱۳۹۴ در پاریس منتشر شده، مطالب زیر راجع به تأثیر الکل در نسل دیده می شود. آمار به دست آمده که بر روی ۷۶۱ کودک که از پدر و مادر الکلیک به وجود آمده اند آمار زیر را داده است: ۱۱۳ نفر مبتلا به تشنج، ۴۲ نفر مبتلا به هیستری و صرع، ۱۹۱ نفر نیز از دیگر اختلالات عصبی رنج می بردند و ۴۱۵ نفر نیز سالم بودند. همین دانشمند در عرض سه سال مشاهده کرد که اطفال اشخاص معتاد به الکل به زودی مشروب خوار می شوند (۱۵ تا ۲۰ سالگی). اطفال مشروب خواران، زودتر به فساد جامعه آلوده می شوند و بیشتر از کودکان دیگر به خودکشی و انحرافات جنسی و فحشاء و دروغگویی و... مبتلا می گردند. در نسل دوم اختلالات هوشی مانند حماقت و عقب افتادگی بیشتر است و انحرافات می خوارگی و امثال آنها نیز شایع تر است. وی می گوید: در ۲۱۵ خانواده، ۱۷۴ مورد مرگ های زودرس مشاهده کرد. و یا اینکه کودکان مرده به دنیا آمده اند و تعداد زیادی از کودکان مبتلا به اختلالات رشدی و سل بوده اند. بدینسان خانواده، در عرض سه تا چهار نسل از بین رفته و منهدم می گردد. به همین جهت پیغمبر اسلام فرمودند: «من زوج کریمته من فاسق فقد قطع رحمه». «هرکس دخترش را به ازدواج مرد فاسق و شرابخوار درآورد قطع رحم کرده است». پدر و مادر در شرایط زندگی کودک سهیم می باشند، زیرا تخمک زن و اسپرم مرد باید فرزند را بسازند. ولی مادر، از نظر اینکه متجاوز از نه ماه باید جنین را در رحم خود نگه دارد شرایط زندگی او در جنین مستقیماً مؤثر است. پس سهم مادر و مسئولیت او در نگهداری فرزند سالم بیش از پدر خواهد بود. پدر پس از انجام عمل زناشویی هیچ گونه دخالتی در طرز رشد و نمو جنین ندارد. این مادر است که باید شرایط خاصی را در این مدت اجرا نماید. البته ناگفته نماند که شرایط پدر در این دوره به طور مستقیم بر جنین اثر نمی گذارد، ولی باده گساری پدر و یا اعتیاد او به مواد مخدر به طور غیرمستقیم بر جنین مؤثر است، زیرا برای آنکه جنین به نحو احسن، مراحل پیشرفت خود را طی کند، باید آسایش و آرامش بر محیط زندگی مادر باردار



حکمفرما باشد و این شرایط در خانه ای که مرد آن خانه به می پرستی خو گرفته باشد دیده نمی شود. پیغمبر اسلام(ص) مبدأ سعادت و شقاوت بشر را در رحم مادر معرفی کرده و فرموده است: «الشقی شقی فی بطن امه والسعيد سعيد فی بطن امه». بدبخت کسی است که در شکم مادرش بدبخت شده است، و خوشبخت کسی است که در شکم مادر خوشبخت است. به نقل از چند سایت اینترنتی معتبر براساس پژوهشی که محققان نروژی انجام داده اند می گویند که سیگار کشیدن مادر حین بارداری باعث می شود نوزاد قبل از تولد، در معرض ابتلا به آسم قرار گیرد. این پژوهش طی ۱۱ سال روی ۲۸۰۰ نفر بین سنین ۱۵ تا ۷۰ سال صورت گرفت. تقریباً یک نفر از هر ده نفر اظهار کرده بودند که از مادران سیگاری به دنیا آمده بودند. این محققان قویاً اعلام می کنند که قرار گرفتن در معرض تنباکو، خصوصاً در دوران داخل رحمی و در حین رشد اندام های حیاتی، مهمترین دلیل ابتلا به آسم در دوران نوزادی است. براساس یافته های تحقیقی در دانشگاه «شیفلد» بریتانیا جسه نوزادان زنان سیگاری کوچکتر از نوزادان زنان غیرسیگاری بود. زنانی که توتون، تنباکو یا دخانیات مصرف می کنند میزان بیشتری از سقط جنین و مرده زایی را تجربه می کنند. روی هم رفته عوارض نامطلوب نوزادان زنان سیگاری بیشتر از (۷/۹) درصد نوزادان زنان غیرسیگاری بود. از طرف دیگر استعمال سیگار در بعضی از زنان حامله باعث افزایش فشار خون نیز می شود، در نتیجه عوارض نامطلوب به طور قابل توجهی در نوزادان این زنان بیشتر می شود. همچنین باید گفت که ممنوعیت زوجین از استعمال دخانیات، مواد مخدر و مشروبات الکلی در فقه جایگاه ویژه ای دارد و فقها به طور مفصل به بحث در مورد آن و اثرات سوء آن بر نسل پرداخته اند و از نظر علم روز پزشکی نیز اثرات سوء آن ثابت شده است که کتب و مقالات زیادی در ایران و دیگر کشورها در مورد آن نگاشته شده است، اما این ممنوعیت هنوز به صورت قانونی در نیامده و ضمانت اجرایی قانونی ندارد، لازم است که این خطا از طریق قانون مدنی جبران شود و قانونگذار در این مرحله تکالیف و وظایفی را بر عهده والدین قرار دهد تا سلامت کامل جسمی و روحی کودک آینده تأمین شود. همانطور که در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان میخوانیم: «هر نوع اذیت و آزار کودکان و نوجوانان که موجب شود به آنان صدمه جسمانی یا روانی و اخلاقی وارد شود و سلامت جسم یا روان آنان را به مخاطره اندازد ممنوع است و نیز برای تأمین سلامتی آنان مجازات هایی را در نظر گرفته اند». (ماده ۵۲ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۱) لازم است که در ارتباط با سلامت جسمی و روانی جنین چنین تضمیناتی وجود داشته باشد. از نظر پزشکی نیز ثابت شده است که اعمال و رفتار والدین به طور مستقیم بر جنین تاثیر می گذارد و حتی ممکن است با صدمات جسمی واضح به دنیا آید، لذا لازم می باشد که قوانینی در جهت تأمین حقوق کودک قبل از تولد نیز در نظر گرفته شود. درست است که حق حیات جنین از طرف قانونگذار به طور کامل مورد حمایت قرار گرفته است ولی حق حیات در عین اینکه مهمترین حق جنین می باشد ولی ابتدایی ترین حق او است و حد اعلاي آن همان سلامت جسمی و روحی و سالم به دنیا آمدن می باشد که نیاز به توجه بیشتر دارد. (پزشکی، حسینی و ناظمی اشنی، ۱۴۰۰: ۶-۵)

۳-۵. حق بر زنده متولد شدن جنین

با اینکه با انعقاد نطفه، جنین اهلیت ناقصی به دست می آورد و حقوقی متزلزل پیدا می کند، اما این حقوق زمانی مستقر می گردد که جنین زنده متولد شود. مبدا برخی از حقوق متعلق به جنین نیز تاریخ زنده به دنیا آمدن است؛ مثلاً مبدا تعیین سن و تشخیص تابعیت در پاره ای از موارد که سیستم خاک را اعمال می کنند تولد است و همینطور در ایجاد تعهدات تاریخ تولد مبدا شخصیت است و قبل از تولد شخص فاقد تعهد می باشد حتی کسانی که انعقاد نطفه را مبدا شخصیت حقوقی انسان تلقی می کنند استقرار آن را مشروط به زنده متولد شدن کرده اند، یعنی حقوقی که در دوران جنینی پیدا می کند متزلزل است و با زنده متولد شدن مستقر می گردد. در برخی از نظام های حقوقی قابلیت زنده ماندن هم شرط شده است؛ در حقوق اسلام جنین از حقوق مدنی متمتع می گردد، به شرط اینکه زنده متولد شود ولو اینکه یک لحظه پس از تولد بمیرد؛ به عبارت دیگر همین مقدار



که ثابت شود زنده به دنیا آمده است، برای استقرار حق کافی است. قانون مدنی ایران نیز همین ضابطه را پذیرفته است. (صفایی و قاسم زاده، ۱۳۸۸: ۴۹-۴۸)

۴-۵. حق بر نام جنین

نامی که زوجین به طور مشترک بر کودک خود می گذارند نیز علی الاصول یک امر خانوادگی و مشمول تضمینات حمایتی مربوط به حریم خصوصی تلقی می گردد. (Main, ۱۹۹۶: ۱۳)

حق داشتن نام به عنوان بخشی از حقوق هویتی و شخصیت مدنی افراد مطرح می شود، به نحوی که هیچ کودکی را نمی توان از آن محروم نمود. در نظام حقوقی ما براین باورند که نام شخص که در هنگام ثبت ولادت و حسب الزام به آن و با اعلام، اعلام کننده (پدر و مادر یا دیگران) مشخص می شود، در سند رسمی ولادت و اوراق هویتی ثبت می گردد؛ حسب یک قاعده ی حقوقی نیز، سند سجلی سند رسمی بوده و تغییر مفاد آن ممکن نیست مگر به موجب قانون و توسط مقام قانونی و در طی یک تشریفات رسیدگی قانونی. لذا می توان گفت حق بر تعیین نام در حقوق ما به والدین اعطا شده است و محتوای انتخاب ایشان در پناه قاعده ی غیرقابل تغییر بودن مندرجات سند رسمی تثبیت می شود. نتیجه این تحلیل این خواهد شد که اساساً حقی بر تغییر نام برای خود شخص وجود ندارد مگر موارد محدود حق بر تغییر نام که در قانون پیش بینی شده است. برخی مطالعات جامعه شناسان نشان می دهد که بین نام کوچک کودکان و بروز برخی ناهنجاری های اجتماعی و حتی تمایل کودکان به بزهکاری روابطی وجود دارد. همچنین نام کوچک کودکان برخی قضاوت های اجتماعی و فشارهای محیطی را بر حسب یافته ها بر کودکان تحمیل می کند و حتی بر میزان موفقیت تحصیلی و نیز شانس ایشان برای پذیرش در مصاحبه های شغلی تاثیر دارد. (میرشکاری و فراهانی، ۱۳۹۵: ۹۹-۸۸).

۵-۵. حق بر نام خانوادگی جنین

مطابق تبصره ماده ۴۰ ق.ث.ا، نام خانوادگی فرزند همان نام خانوادگی پدر می باشد. همانگونه که گفتیم این حق ویژه ی فرزندان مشروع است. اصولاً نام خانوادگی پدر از این جهت به فرزند داده می شود که نشان دهنده ی وابستگی کودک به شخص است. از آنجا که به طور معمول فرزندان را به پدر آنها نسبت می دهند، از این رو نام خانوادگی فرزند همان نام خانوادگی پدر می باشد مگر آنکه فرزندان پس از رسیدن به سن قانونی آهنگ تغییر آن را کنند. حق داشتن نام خانوادگی در حقوق ما به رسمیت شناخته شده است و هیچ کس حق ندارد بدون اجازه دارنده ی حق تقدم از نام خانوادگی او استفاده نماید (ماده ۹۹۸ ق.م). از این رو، باید گفت که این حق در مورد فرزند طبیعی وجود ندارد. پیرو این گفته، او باید برای بهره گرفتن از نام خانوادگی پدر طبیعی اش از دارنده حق تقدم اجازه بگیرد. همانگونه که دیدیم با نگرش به رای وحدت رویه (رای وحدت رویه ۶۱۷ مورخ ۳/۴/۱۳۷۶: به موجب بند الف ماده ی یک قانون ثبت احوال مصوب سال ۱۳۵۵ یکی از وظایف سازمان ثبت احوال، ثبت ولادت و صدور شناسنامه است و مقنن در این مورد بین اطفال متولد از رابطه ی مشروع و نامشروع تفاوتی قائل نشده است و تبصره ماده ی ۱۶ و ماده ۱۷ قانون مذکور نسبت به مواردی است که ازدواج پدر و مادر به ثبت نرسیده باشد و اتفاق در اعلام ولادت و صدور شناسنامه نباشد یا اینکه ابوی طفل نامعلوم باشد تعیین تکلیف کرده است لیکن در مواردی که طفل ناشی از زنا باشد و زانی اقدام به اخذ شناسنامه نکند، با استفاده از عموومات و اطلاق مواد یاد شده و مسئله ی ۳ و مسئله ی ۴۷ از موازین قضائی از دیدگاه حضرت امام خمینی رضوان الله تعالی علیه، زانی پدر عرفی طفل تلقی می شود و در نتیجه کلیه تکالیف مربوط به پدر از جمله اخذ شناسنامه بر عهده وی می باشد و حسب ماده ۸۸۴ قانون مدنی صرفاً موضوع توارث بین آنها منتفی است و لذا رای شعبه سوم دیوان عالی کشور که با این نظر مطابقت دارد به نظر اکثریت اعضا هیات عمومی دیوان این رای به استناد ماده واحده



ی قانون مربوط به وحدت رویه قضایی مصوب تیرماه ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.»

منظور از پدر و مادر در قانون ثبت احوال، پدر و مادر در مفهوم اعم آن بوده که دربرگیرنده ی پدر و مادر طبیعی می باشد. در رای یاد شده تکالیف مربوط به گرفتن شناسنامه بر دوش پدر عرفی واگذار شده است. در نتیجه، به نظر می رسد در حقوق کنونی ما حق داشتن نام خانوادگی پدر تنها ویژه ی فرزندان قانونی نبوده بلکه، فرزندان طبیعی نیز می توانند از این حق بهره گیرند و از این رو، برای داشتن نام خانوادگی پدر نیاز به کسب اجازه از دارنده حق تقدم نخواهند داشت. برای روشن شدن این جستار باید حالت های گوناگونی که درباره فرزند طبیعی شایسته نگرش هستند، در نظر گرفت؛

۵-۵-۱. فرض نخست

در فرض بودن پدر و مادر مشخص تکلیف گرفتن شناسنامه با پدر و در نبود پدر با مادر می باشد.

۵-۵-۲. فرض دوم

در حالتی که پدر طبیعی غایب است و مادر نام خانوادگی فرزند را گزینش می کند، شاید این دودلی پیش آید که در این حالت در این باره باید دید که آیا رابطه طبیعی پدر و کودک اثبات شده است یا نه و چنانچه در مرحله اثباتی باشیم باید گفت که نام خانوادگی فرزند از کنار هم گذاردن مواد قانون ثبت احوال و رای وحدت رویه همان نام خانوادگی پدر خواهد بود و نمی توان نام خانوادگی مادر را به فرزند داد مگر با اجازه دارنده ی حق تقدم. اما، باید گفت چنانچه پدر کودک شناخته نشده باشد یا در حالتی که رابطه طبیعی میان کودک و پدر اثبات نشده باشد در این حالت نام خانوادگی مادر به کودک داده می شود و به نظر می رسد که در این حالت نیازی به گرفتن اجازه از دارنده ی حق تقدم نمی باشد.

۵-۵-۳. فرض سوم

در حالتی که هیچ یک از پدر و مادر طبیعی مشخص نباشد با توجه به ماده ۱۷ ق.ث.ا، در این صورت، نام خانوادگی آزاد به کودک داده خواهد شد. (عزیزی مراد پور، ضیاء پورصادقیان مرزونی، ۱۳۹۴: ۷۶-۷۵)

۵-۶. حق بر وصیت جنین

با توجه به اینکه موصی له باید موجود باشد، این بحث مطرح می شود که آیا حمل موجود است و وصیت برای او صحیح است یا خیر؟ طبق ماده ۸۵۱ ق.م. «وصیت برای حمل صحیح است، لیکن تملک او منوط است بر اینکه زنده متولد شود». در اینجا سه شرط مطرح شده است.

۱- انعقاد نطفه حمل ۲- زنده متولد شدن حمل

۳- قبول وصیت. (صفایی و شعبانی کندسری، ۱۳۹۷: ۶۹)

حق بر ارث جنین

وجود وارث برای متوفی در زمان فوت او از شرایط تحقق ارث است؛ زیرا همانطور که گفته شد، مقصود از ارث انتقال قهری مال متوفی به وارث او است و بدون وجود وارث انتقال مال قابل تصور نیست. با لحاظ شرط بودن وجود وارث برای تحقق ارث، باید گفت که در صورت تردید در وجود وارث، ارث منتفی خواهد بود؛ زیرا برای حکم به تحقق مشروط، احراز شرط ضروری است. در این باره ماده ۸۷۵ ق.م. مقرر می دارد: «شرط وراثت زنده بودن در حین فوت مورث است و اگر حملی باشد در صورتی ارث می برد که نطفه او حین الموت منعقد بوده و زنده هم متولد شود، اگرچه فوراً پس از تولد بمیرد» (شهیدی، ۱۳۹۵: ۴۶)



۶- سقط جنین

در طول تاریخ زندگی بشر، سقط جنین مقوله‌ای در خور توجه بوده است. یکی از بحران‌های امروزی جوامع بشری کوشش انسان در جهت نابودی نسل خود است که نمونه بارز آن سقط جنین می‌باشد. بر اساس آمار سازمان جهانی بهداشت هر سال ۲۱۰ میلیون زن در سراسر جهان باردار می‌شوند و ۲۲ درصد از آنها به سقط متوسل می‌شوند. بر اساس نتایج حاصل از مطالعات در سال ۲۰۰۰ در ایران حدود ۷/۲۶ درصد مرتکب سقط عمدی و غیرقانونی شده بودند. وقوع میزان چشمگیر سقط‌های القایی و غیر بهداشتی در سراسر جهان و به ویژه در جوامع در حال توسعه و منجر شدن بسیاری از این سقط‌ها به مرگ و میرمادران در سنین باروری، بر جای گذاردن صد هزار ناتوان جسمی و ذهنی، تحمل درد و رنج ناشی از عوارض سقط‌های غیر بهداشتی، گزارش بالاترین آمار و ارقام سقط‌های غیر ایمن از جوامع در حال توسعه به ویژه جوامعی با منع محدودیت‌های قانونی بیشتر از مشکلات در کل می‌توان گفت مجموع قوانین ایران نشانگر اعتقاد ایرانیان به جنین به عنوان یک انسان می‌باشد و تمامی اطرافیان زن باردار ملزم به حمایت از او و جنین می‌باشند تا مادر از ترس تنهایی اقدام به سقط نکند. احکام قانونی سقط جنین در ایران در حدود صد سال فراز و فرود قابل توجهی داشته است؛ در سال ۱۳۰۴ که قانون مجازات عمومی برگرفته از حقوق جزای فرانسه تدوین و اجرا شد مواد ۱۸۰ الی ۱۸۳ آن در قسمت جنحه و جنایات به سقط جنین اختصاص یافت. طبق این قانون تنها در جایی سقط جنین مجاز است که برای حفظ نجات جان مادر ضروری می‌باشد، در ادامه در سال ۱۳۵۵ در قوانین ایران سقط جنین برای حفظ جان مادر یا سلامت جسمی روحی او یا در مورد تشخیص نقایص جنین در شرایط بهداشتی توسط پزشکان کار آزموده مجاز و قانونی قلمداد شد. اما در حوزه‌های دیگر نظیر تجاوز جنسی، دلایل اقتصادی، اجتماعی و درخواست والدین سقط به صورت بهداشتی و غیر بهداشتی انجام می‌شد. این قانون با مخالفت شدید جامعه دینی و روحانیون مواجه گشت از این رو این قانون در عمل اجرا نشد. پیروزی انقلاب اسلامی در ایران در سال ۵۷ موجب شد تا نگاه تازه‌ای به همه قوانین موضوعه کشور صورت پذیرد که نتیجه آن نگرش و تصویب قانون مجازات در سال ۱۳۶۲ بود. در این قانون در مواد متعددی تکلیف سقط جنین و احکام تکلیفی و وضعی آن روشن شده بود. این قانون که با الهام از فقه شیعه نگارش شده بود نگاهی سختگیرانه به مسئله سقط جنین داشت. در سال ۱۳۷۰ مقنن ایرانی به پیروی از فقه اسلامی از میان چهار نظر پیرامون جواز و حرمت سقط جنین تنها یک مورد را قانونی شناخت، جواز سقط قبل از دمیده شدن روح با شرایط خاص و حرمت آن پس از دمیده شدن روح به صورت مطلق. و سرانجام در سال ۱۳۸۴ به دلیل نیازهای موجود و لزوم انجام سقط در برخی موارد قانون سقط درمانی به تصویب رسید. هم‌چنین به موجب مفاد قانون مجازات اسلامی احکام مربوط به سقط جنین در قانون تعزیرات مصوب سال ۱۳۷۵ به دلیل اشکالات عدیده‌ای که در سقط جنین عمومی مشهود بود مقنن با وضع مواد ۶۲۲ و ۶۲۳ و ۶۲۴ تا حدی به نارسائی در این زمینه خاتمه داد و بالاخره در سال ۱۳۹۲ در قانون مجازات اسلامی علاوه بر ماده ۳۰۶ از فصل ۷ از کتاب ۴ از مواد ۷۱۲ الی ۷۱۶ که متضمن نوآوری بسیار مهمی است به سقط جنین اختصاص یافت بدون آنکه مقررات مربوط به سقط جنین کتاب پنجم و تعزیرات سال ۷۵ فسخ گردد. (فلاح نژاد، آقا مجیدی و عزیززاده، ۱۳۹۶: ۱۱۳-۱۱۰)

نتیجه‌گیری

جنین در قرآن کریم، به طفلی اطلاق می‌شود که در شکم مادر است و شکم مادر او را می‌پوشاند و از دیده پنهان می‌دارد، لیکن از نظر حقوقی تا هنگامی که زنده به دنیا نیامده است، شخص مستقلی به شمار نمی‌آید و اصولاً نمی‌تواند دارنده حق و تکلیف باشد؛ هم‌چنین باید دانست که جنین طبق قانون، ارث می‌برد و ممکن است برای حفظ و اداره سهم الارث او کسی از طرف دادگاه معین گردد که اصطلاحاً امین نامیده می‌شود. از حقوق متعلق جنین می‌توان به این موارد اشاره کرد که عبارتند



از: حق بر سلامت جنین، حق بر وصیت جنین، حق بر زنده متولد شدن جنین، حق بر نام و حق بر نام و نام خانوادگی جنین و حق بر ارث جنین. همچنین باید دانست یکی از بحران های امروزی جوامع بشری کوشش انسان در جهت نابودی نسل خود است که نمونه بارز آن سقط جنین می باشد. با توجه به اهمیت موضوع سقط جنین به لحاظ حقوقی، اخلاقی و اجتماعی بخش عظیمی از تحقیقات علمی پیرامون مطالعات انسانی و توجه سیاستمداران و قانون گذاران در حوزه سیاست جنائی و معضلات اجتماعی به این موضوع معطوف گشته است. وقوع میزان چشمگیر سقط های القایی و غیر بهداشتی در سراسر جهان و به ویژه در جوامع در حال توسعه و منجر شدن بسیاری از این سقط ها به مرگ و میر مادران در سنین باروری، بر جای گذاردن صد هزار ناتوان جسمی و ذهنی، تحمل درد و رنج ناشی از عوارض سقط های غیر بهداشتی از عواقب سقط جنین می باشند. از یافته های این تحقیق می توان به این مورد اشاره نمود که با بالا بردن سطح آگاهی زنان در دوران قبل از بارداری و همچنین آشنا کردن آنان با عواقب ناگوار سقط جنین می توان به صورت بسیار چشمگیری در بهبود و سلامت جامعه گامی بسیار موثر برداشت.

پیشنهادات مطرح شده در راستای حقوق جنین و نظام سلامت عبارتند از: ۱- آموزش زنان در جوامع قبل از بارداری، ۲- استفاده از رسانه های جمعی در جهت بالا بردن سطح آگاهی عمومی در خصوص حقوق متعلق به جنین ۳- حمایت از زنان باردار از طرف دولت و خانواده ها.

منابع

۱. شهیدی، مهدی (۱۳۹۵)، *ارث*، چاپ دهم، تهران: انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد.
۲. صفایی، سید حسین و شعبانی کندسری، هادی (۱۳۹۷)، *حقوق مدنی وصیت، ارث، شفعه*، چاپ اول، تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار.
۳. صفایی، سید حسین و قاسم زاده، سید مرتضی (۱۳۸۸)، *حقوق مدنی اشخاص و محجورین (با تجدید نظر و اصلاحات)*، چاپ پانزدهم، تهران: انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.
۴. اسدی، محمد، نوذری فردوسی، محمد و امیدی فرد، عبدالله (۱۳۹۹)، *حقوق مدنی جنین در نظام خانواده، مطالعات فقهی حقوقی زن و خانواده*، ۲(۴): ۱۱۴.
۵. پزشکی، سارا، حسینی، سید علیرضا و ناظمی اشنی، محمدحسین (۱۴۰۰)، *بررسی مقررات حقوقی مرتبط با جنین با تکیه بر قضایای سلامت جسمی و روحی او در کانون خانواده*، نشریه انجمن علمی حقوق پزشکی ایران، ۱۵(۵۶): ۵-۶.
۶. زرگوش نسب، عبدالجبار (۱۳۸۹)، *بررسی حقوق جنین و مجازات سقط آن از دیدگاه اسلام*، علوم اجتماعی نشریه فرهنگ ایلام، ۲۶ و ۲۷: ۱۳۷.
۷. عزیزی مرادپور، حمید، ضیاء پور، محبوبه و صادقیان مرزونی، داود (۱۳۹۴)، *بررسی نام خانوادگی فرزند طبیعی در ایران*، اولین همایش بین المللی نوآوری و تحقیق در هنر و علوم انسانی موسسه سفیران فرهنگی مبین: ۷۵-۷۶.
۸. فلاح نژاد، فاطمه، آقامجیدی، تریفه و عزیززاده، فاطمه (۱۳۹۶)، *سقط جنین از نگاه فقه (شیعه) و حقوق کیفری ایران در مقایسه با حقوق کیفری ژاپن*، پژوهشنامه زنان پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۸(۲): ۱۱۳-۱۱۰.
۹. مقدادی، محمد مهدی و جواد پور، مریم (۱۳۹۲)، *حمایت از تمامیت جسمی و روانی جنین در نظام حقوقی اسلام*، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده، ۱۶(۶۲): ۱۰۹-۱۰۸.
۱۰. میرشکاری، عباس و فراهانی، سید جواد (۱۳۹۵)، *حق کودک بر نام*، دوفصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، ۵(۱۰): ۹۹-۸۸.
11. Naming Children in Early New England, ۲۷J. INTERDISC, {۱۹۹۶}GloriaL. Main



Fetal Rights in the Health System

Hamzeh Mohammadi

Assistant Professor, Department of Law, Buin Zahra Branch, Islamic Azad University, Buin Zahra, Iran
Mohammadi.hae@gmail.com

Hamideh Abdi

M.A in Public Law, Buin Zahra Branch, Islamic Azad University, Buin Zahra, Iran (Corresponding Author)
abdiyhamideh@gmail.com

Maryam Amadi

M.A in Public Law, Buin Zahra Branch, Islamic Azad University, Buin Zahra, Iran
maryamamadi1991@gmail.com

Abstract

Background & Purpose: The meaning of the word "jenin" is "covered", which is derived from the word "jinn". The fetus, at least as a potential human being - who has the ability and ability to become a complete human being - deserves to be respected and has rights such as "right to life" and "right to health" and... The goals of the research are to become more familiar with the rights of the fetus and to educate mothers to prevent abortion.

Research Method: The research method is descriptive-analytical.

Findings: In the available findings regarding abortion, the statistics obtained show that the highest statistics and unsafe abortions from developing societies, especially societies with legal restrictions, are considered to be major reproductive health problems.

Conclusion: In the results found, it can be seen that raising the level of awareness of women before pregnancy and their awareness of the unfortunate consequences of abortion can improve the health of the society.

Keywords: Right, Fetus, Health